



روزنامه جوان | شماره ۵۰۸۸

چالش

دکتر سید نعمت‌الله عبد الرحیم زاده



افزایش حضور امریکا در افغانستان تنش کابل – اسلام‌آباد را تحریک می‌کند

آتش ترکش‌های ترامپ بر «خط دیورند»

این ادعا اتهام حمله و شروع درگیری را متوجه طرف افغانی

می‌داند و اقدام نیروهایش را تنها به عنوان دفاع از خود مطرح کرده است. در مقابل، کابل ورود پاکستانی‌ها به این منطقه را

تجاوز به خاک خود می‌داند که مرزبان‌هایش تنها به وظیفه

اینجاست که کنفرانس با عنوان «تحقق صلح افغانستان» بود

و دیپلمات‌ها، اساتید دانشگاه و محققان آگاه به مسائل منطقه و دو کشور از شرکت‌کنندگان کنفرانس بودند اما تنش موجود به وضوح بر این کنفرانس سایه انداخته بود و

این موضوع در سخنرانی سرتاج عزیز، مشاور نخست‌وزیر پاکستان با امور خارجی، بیش از سخنرانی دیگران دیده شد. عزیز هر چند کشورش را متعهد به افغانستانی‌بایات و آرام دانست اما با ادعای استفاده تروریست‌ها از خاک افغانستان برای حمله به پاکستان، از دولت کشورش خواست تا به مخفیگاه‌های گروه‌های تروریستی تحریک طالبان پاکستان و جماعت‌الاحرار در خاک افغانستان حمله کند. دیگر مقامات نظامی و امنیتی پاکستان مانند خواجه آصف، وزیر دفاع و ژنرال ناصر جنجوعه مشاور امنیت ملی، کم و بیش وجود درگیری‌های مرزی هر از چند گاه با همسایه شمالی همین خط از تنش در سخنان عزیز را دنبال کردند و آنقدر در این مسیر جدی بودند که کابل را به طور مستقیم تهدید به حمله نظامی کنند. حالا مسئله این است که اسلام‌آباد با وجود درگیری‌های مرزی هر از چند گاه با همسایه شمالی چرا این بار با چنین شدتی بر خوردمی‌کند و با همین شدت هم حاضر به پیامدهای نظامی است یا تنها می‌خواهد از دیپلماسی تهدید، نتایج سیاسی به دست آورد؟

خط آتش
مورد استقلال پاکستان
مورد پذیرش نیوده و آن را می‌خواست

اصل درگیری در روستاهای مرزی شهرستان سپین بولدک از ولایت قندهار بسوده و پاکستان مدعی است مأموران سرشماری به همراه چند تن از محافظان وارد روستاهای لغمان و نظر می‌شود که از سوی مرزبانان افغانی مورد حمله قرار گرفتند و همین هم باعث درگیری بین دو طرف و کشته و زخمی شدن تعدادی از هر دو طرف شده است. پاکستان با

رویکرد احمد کاظم‌زاده

یکی از سؤال‌های مهمی که

در ارتباط با رخدادهای اخیر

عربستان مطرح می‌شود این

است که آیا دولت یا به عبارت مشخص نظام سیاسی این کشور است که در پشت این تحولات قرار دارد یا اینکه این شخص محمدبن سلمان وزیر دفاع و نایب ولیعهد است که به‌نام عربستان این تحولات را شکل می‌دهد، در راستای منافع شخصی خود آن را هدایت می‌کند و بدین ترتیب کل موجودیت و نظام سیاسی عربستان را قربانی منافع شخصی خود می‌کند؟

هر چند در مواردی از جمله بعد از مرگ ملک عبدالله پادشاه فقید این کشور جناح سدیبری کوشید قدرت را دوباره به خاندان خود بازگرداند که در این زمینه همه‌اعضای این جناح به نوعی در این زمینه منافع مشترک احساس می‌کردند اما بعداً از اینکه قدرت به این جناح منتقل شد به تدریج رقابت‌های درون جناحی آغاز شد که گونه‌ای که در خلال دو سال و اندی که از مرگ ملک عبدالله می‌گذرد، در پای محمدبن‌سلمان رامی‌توان در همه رخدادهای داخلی و خارجی این کشور مشاهده کرد که همگی با هدف رسیدن به کرسی پادشاهی و کنار زدن رقیب درون جناحی خود یعنی محمد بن نایف وزیر کشور صورت می‌گیرد. یکی از این خداده‌ها که در عرصه داخلی به عنوان محور تحولات قرار گرفته، طرح موسوم به ۲۰۳۰ است که محمدبن‌سلمان قصد دارد در چارچوب آن با فروش ۵ درصد از سهام شرکت ملی نفت این کشور موسوم به آرامکو از محل درآمدهای آن برای پاسخ به چالش‌های اقتصادی استفاده کند اما اکنون این نگرانی در محافل داخلی این کشور پدید آمده است که وی با این کار چوب حراج به سرمایه‌های نفتی عربستان خواهد زد و محمدبن‌سلمان با سرمایه‌های نفتی عربستان همان کاری را خواهد کرد که با صدور فرمان جنگ علیه یمن کرده و عربستان را اکنون در وضعیتی قرار داد که نه راه پیش دارد و نه راه پس.

انسانی سنگینی بر عربستان وارد کرد باعث شد این کشور در شرایطی که پیش از آغاز جنگ نزدیک سه یک تریلیون دلار ازاره ارزی داشت اکنون با کسری بودجه چند صد میلیارددلاری مواجه شود. هدف اعلام‌شده محمدبن‌سلمان از ارائه طرح توسعه ۲۰۳۰ معطوف کردن توجه افکار عمومی داخلی به دوزنمای روشنن و امیدوارکننده در آینده است تا شاید از انتقادهای روزافزون به سیاست و عملکرد وی

چهارگاه

سرروسین‌الملل۸۸۴۴۹۸۸۴

پاکستان بای اس‌آی، با این دست تبلیغات سعی می‌کند تا کابل را همسوا بدلهی نو نشان دهد که هر دو کشور در حال توطئه علیه امنیت ملی پاکستان هستند و مقوله درگیری اخیر در منطقه لغمان هم در همین حدود می‌گنجد.

با این حال، ادعاهای اسلام‌آباد نه تنها مورد اعتنای دو کشور افغانستان و هند نبوده بلکه تأیید و حمایت هیچ کشور منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای را به دنبال نداشته و معلوم است که اسلام‌آباد از اهرم دخالت هند برای فشار سیاسی بر کابل استفاده می‌کند تا در واقع امر هم چنین دخالتی وجود داشته باشد.

■ **دست‌پیش اسلام‌آباد**

تنش فعلی اسلام‌آباد با کابل بر سر درگیری اخیر در منطقه لغمان نمی‌تواند بی‌ارتباط با تحولات داخل افغانستان و به خصوص برنامه امریکا در این کشور باشد. این موضوع از دو زاویه قابل توجه است: نخست افزایش حضور نظامی امریکا در افغانستان و دوم فشار واشنگتن بر اسلام‌آباد برای مبارزه با گروه‌های تروریستی مثل شبکه حقانی. ژنرال هربرت ریمن مک‌مستر، مشاور امنیت ملی امریکا، سه چهار روز قبل طرح پیشنهادی‌اش در مورد جنگ در افغانستان را برای تأیید نهایی به دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا داد. هر چند ترامپ باید منتظر این طرح می‌بود تا در افغانستان اقدامی کند اما افزایش تحرک نظامی نیروهایش در افغانستان در این چند هفته گذشته نشان داد که او دست‌کم از بعد کلان قضیه چندان منتظر طرح مشاور امنیت ملی‌اش نماند و مقوله افزایش نیروهایش در افغانستان و نقش بیشتر این نیروها در جنگ با داعش و طالبان را در نظر دارد. بنابراین این طرح مک‌مستر را نباید خارج از این مقوله دانست هر چند این مسیر چیزی جز تکرار تجربه گذشته نیست که دستاوردی برای امریکا نداشته است. باید به یاد داشت که باراک اوباما، رئیس‌جمهور امریکا هشت سال قبل استراتژی جدید خود در افغانستان را بر مبنای افزایش ۳۰ هزار نفری نیرو تنظیم کرد اما نتوانست موفقیتی در برابر طالبان به دست بیاورد و جالب اینجاست که ترامپ می‌خواهد این طرح را با دست سلف خود را آن هم با ۳ هزار نیرو ادامه دهد. هر چند تاکنونی ترامپ از همین حالا معلوم است اما موضوع از دید اسلام‌آباد تنها محدود به زاویه گذشته نمی‌شود بلکه این‌ها نیز موضوع را در پیوند با رازویه دوم در نظر می‌گیرند. مک‌مستر نیمه آوریل و در سفرش به اسلام‌آباد در دیدار با مقام‌های ارشد پاکستانی مثل نواز شریف نخست‌وزیر، ژنرال قمر جاوید باجووا فرمانده ارتش و ژنرال ناصر جنجوعه موضوع حمایت گرنهنگی از گروه‌های تروریستی را پیش کشید و به این ترتیب، بر همان مسئله‌ای انگشت گذاشت که در دولت سابق اوباما مایه تنش بین اسلام‌آباد و واشنگتن شده بود تا آنجا که کنگره امریکا برخی از کمک‌های مالیی و از جمله فروش تجهیزات به اسلام‌آباد امعلق کرد. حالا هم به نظر می‌رسد که دولت ترامپ قصد ادامه همان تقابل را با اسلام‌آباد این بار با افزایش حضور نظامی‌اش در افغانستان باید انتظار تشدید این تقابل را داشت. درگیری منطقه لغمان یک نوع محک بران سیستم امنیتی امریکاست که به نظر می‌رسد اسلام‌آباد این محک را بر بدن نگنایت به واشنگتن به کار بسته است. عزیز احمد چوهدری، سفیر پاکستان در امریکاعاد: درگیری در منطقه لغمان به دیدار مک‌مستر رفت تا شکایت کشورش را در این مورد با او در میان بگذارد. این نوع اقدام اسلام‌آباد به مثابه دست‌پیش برای جلوگیری از عواقب برنامه جدید امریکا در افغانستان است تا نشان دادن مغایرات مرزی هزینه این برنامه را به واشنگتن متذکر شود. در هر صورت، درگیری روز جمعه نشان داد که اسلام‌آباد تنها در خفا و با حمایت از طالبان نیست که می‌تواند نقش قابل توجهی در افغانستان داشته باشد بلکه این کشور با استفاده از وضعیت نامعلوم خط دیورند قادر به ایجاد تنش‌های جدیدی فراتر از تنش‌های متداول در این سال‌هاست تا از این تنش‌های بهره‌برداري در سه زاویه رابطه‌اش با افغانستان، رقابتش با هند و گرفتن امتیاز از امریکاستفاده کند.

جدید هدفگذاری شده است.

براین اساس انتظاری که امریکا و شخص ترامپ از نشست‌های آتی ریاض دارد این است که به واسطه عربستان نظر موافق شرکت‌کنندگان در این نشست را با سیاست جدید خود در فلسطین به‌دست آورد که در آن هیچ الزامی برای تشکیل دولت محدود فلسطینی وجود ندارد و اصل بر این است که به هر طریق ممکن تشکیلات خودگردان به پذیرش منافع‌شدهای مورد نظر راستگرایان حاکم بر تل‌آویوسوق داده شوند. در این میان هدف عربستان و شخص محمدبن‌سلمان این است که وانمود کند شرکت‌کنندگان در این نشست با رویکردهای منطقه‌ای این کشور از جمله در جنگ یمن موافق هستند باوجوداینکه عربستان در آغاز جنگ از انتزافی‌سخن راند که در پشت این کشور قرار داد اما در عمل عربستان در جنگ یمن تنها مانده است و با امارات که بیش از همه در این جنگ مشارکت داشته سر تقسیم غنایم اختلاف پیدا کرده است. هدف دیگر محمدبن‌سلمان این است که از سفر ترامپ و نشست‌های ریاض به عنوان ابزاری برای تکمیل روند تصاحب قدرت استفاده کند.

بر این اساس می‌توان گفت کسانی که حاضر به شرکت در مراسم استقبال از ترامپ در ریاض و نشست‌های جانبی آن باشند به طور خواسته یا ناخواسته در اهداف غیراعلامی آن شریک خواهند بود که به طور خلاصه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: نخست پایمال کردن خون یعنی‌ها به‌خصوص کودکان این کشور که هر روز صدها نفر از آنها به دلیل قحطی و گرسنگی ناشی از تجاوز نظامی عربستان در انتظار مرگ به سر می‌برند. دوم مشارکت در اقدامات نظامیگرانه احتمالی که با مشارکت راستگرایان امریکایی و صهیونیستی و بازهای سعودی پخت و پز می‌شود و امکان دارد منطقه را بار دیگر در آستانه جنگ تمام‌عبار قرار دهد و سوم سپردن پرونده فلسطین و قدس شریف به راستگرایان صهیونیستی تا به هر شکلی که مایل هستند آن را به نفع خود تمام کنند و بدین ترتیب آب پاکی روی مبارزات چندین دهه فلسطینی‌ها بریزند که جمع‌کنبری از آنها هنوز در خارج از فلسطین و در انتظار بازگشت به وطن به سر می‌برند و در عین حال دست همه بازیگران اسلامی، عربی وحتی غربی را از مسئله فلسطین کوتاه‌کنند. بر این اساس فرش قرمزى که از هم‌اکنون پیش پای ترامپ پهن شده برای دیگر شرکت‌کنندگان دامی محسوب می‌شود که بناسط از آنها استفاده پوششی و ابزاری شود.



فرش قرمز برای ترامپ نردبان قدرت سلمان

توجه به اینکه راستگرایان صهیونیستی نقش اساسی در پیروزی ترامپ داشتند و از این دید ترامپ خود را وامدار آنها می‌داند، لذا به هر میزانی که عربستان با سیاست‌های راستگرایان حاکم بر فلسطین اشغالی همراهی و همگامی نبوده است بلکه طرحی امریکایی-اسرائیلی است که به واسطه آن بتوانند هم برمنافع نفتی عربستان تسلط پیدا کنند و هم اینکه درآمدهای نفتی این کشور را به شرکت‌های تسلیحاتی اقتصادی خود تزریق کنند. در واقع اگر ترامپ حاضر شده است عربستان را به عنوان اولین مقصد سیاست خارجی خود انتخاب کند به دلیل علاقه خاص خود به عربستان و حتی شخص محمدبن‌سلمان نیست بلکه به این دلیل است که وی حاضر شده‌است از محل فروش سهام آرامکو جیب شرکت‌های تسلیحاتی امریکایی را پر کند و در عین حال هزینه‌های پیمانکاری امریکا را در تأمین امنیت این کشور بپردازد.

علت دیگر در این زمینه، همراهی‌ای است که عربستان و شخص محمدبن‌سلمان با رژیم صهیونیستی دارد و با شخص محمدبن‌سلمان با رژیم صهیونیستی دارد و با

فرانسه روی ریل اروپا

سرانجام پس از مدت‌ها جدال انتخاباتی «امانوئل

ماکرون» نامزد مستقل در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری فرانسه با شکست «مارین لوپن» نامزد

راستگرای افراطی به عنوان رئیس‌جمهور جدید این کشور انتخاب شد.

«ماکرون» با کسب ۶۶ ممیز یک‌دهم درصد آرا در مقابل «مارین لوپن» با کسب ۳۳ ممیز ۹ دهم به کاخ الیزه راه یافت. با این نتیجه ماکرون با ۳۹ سال سن جوان‌ترین رئیس‌جمهور

در طول تاریخ فرانسه محسوب می‌شود.

همانگونه که نظرسنجی‌های قبل از برگزاری دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری نیز نشان داده بودند، ماکرون با آرای بیش از ۶۰ درصدی، توانست رقیب سرسخت راستگرای افراطی خود یعنی مارین لوپن را شکست دهد. پیروزی ماکرون بسا توجه به حمایت جریان‌های راست میانه و چپ میانه و در واقع احزاب اصلی فرانسه از وی چندان هم غیر منتظره نبود. درعین حال هشدارهای مکرر مقامات ارشد فرانسه و سیاستمداران ارشد فرانسوی در باره تبعات و پیامدهای مصیبت بار پیروزی مارین لوپن نیز در افزایش رأی و اقبال مردم فرانسه به ماکرون بی‌تأثیر نبود. به نوعی می‌توان پیروزی ماکرون را پیروزی نمادین اروپاگرایان و حامیان خط‌مشی کنونی فرانسه درابعاد داخلی و خارجی تلقی کرد. به این ترتیب می‌توان پیش‌بینی کرد دولت آینده فرانسه نیز کامکان خط‌مشی‌های اصلی دولت کنونی این کشور را ادامه دهد.

به ویژه اینکه ماکرون قبلاً خود یک سوسیالیست و عضو کابینه دولت سوسیالیست فرانسه تا سال ۲۰۱۴ بود. ماکرون حداقل در مسائل سیاست خارجی طرفدار تداوم روند فعلی و مدافع سرسخت اتحادیه اروپا و در واقع انتر ناسیونالیسم است. در حالی که مارین لوپن به عنوان یک ناسیونالیست افراطی قصد جدا کردن فرانسه از اتحادیه اروپا را داشت. البته ماکرون خواهان انجام برخی اصلاحات بنیادی در اتحادیه اروپاست. مسئله‌ای که اکنون حتی به اذعان مقامات ارشد اتحادیه اروپا برای ادامه بقای این نهاد اروپایی ضروری تلقی می‌شود. ضمن اینکه ماکرون هوادار ادامه حضور پر رنگ فرانسه در بزرگ‌ترین ائتلاف نظامی غرب یعنی ناتو است.

در این راستا ماکرون بر رسیدن به معیارهای ناتو در زمینه هزینه‌های نظامی یعنی ۲درصد تولید ناخالص داخلی تأکید می‌کند. مسلماً به قدرت رسیدن ماکرون، خیر خوبی برای دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری امریکا نیست که آشکارا هوادار روی کار آمدن مارین لوپن با توجه به همسویی دیدگاه‌های وی با ترامپ بود. در مقابل پیروزی ماکرون، رویدادی امیدوارکننده و مسرت‌بخش برای سران اتحادیه اروپا و کشورهای عضو این اتحادیه به ویژه آنگلا مرکل صدراعظم آلمان محسوب می‌شود که آشکارا به حمایت وی قبل از برگزاری دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه پراخته بودند. اکنون مقامات اروپایی اطمینان دارند که ادامه حضور و همسویی دولت فرانسه، حداقل تا پایان دوره ریاست‌جمهوری ماکرون، در اتحادیه اروپا، امری تضمین شده است. اما در بعد داخلی نیز با توجه به سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی ماکرون باید انتظار تحولات جدیدی را داشت.

با توجه به پیشینه ماکرون به عنوان وزیر اقتصاد فرانسه و حرفه‌اش به عنوان بانکدار و سرمایه‌گذار، وی از حامیان اقتصاد بازار آزاد بوده و یکی از برنامه‌های اصلی او، تحقق خواسته کمسیون اروپا برای کاهش کسری بودجه این کشور به ۳ درصد تولید ناخالص داخلی است.

در بعد اجتماعی نیز وی باید برنامه‌های مؤثری را برای مبارزه با بیکاری که مسلماً اکنون بزرگ‌ترین معضل این کشور است به اجرا در آورد. ماکرون اصلاحاتی می‌خواهد که هم اوضاع اقتصادی فرانسه را بهتر و هم جایگاهش را در اروپا تقویت کند. ماکرون می‌خواهد سهم دولت از خروجی اقتصاد را از ۵۵درصد تولید ناخالص ملی که بالاترین نرخ در اروپاست به ۵۲درصد کاهش دهد و به مقررات کسری بودجه ۳درصد اتحادیه اروپا پایبند باشد اما او همچنین می‌خواهد مبلغ ۵۰ میلیارد یورو در طول پنج سال بر مدرن کردن دولت و آموزش و پژوهش و ویژه جوانان بیکار سرمایه‌گذاری کند. وی برنامه‌ریزی کرده است که سیاست‌های بازار کار را فعال کند تا فرانسه از مزایای حضور در برنامه‌های آموزشی بهره‌مند شود؛ چانه‌زنی‌های جمعی را از سطح صنعت به سطح شرکت بیاورد و مالیات بر اشتغال را کاهش دهد.

فرانسوا اولاند رئیس‌جمهور سوسیالیست فرانسه نتوانست در دوره زمامداری خود توفیق چشمگیری در زمینه اقتصادی به ویژه مبارزه با بیکاری به دست آورد. ضمن اینکه مسئله پناهجویان نیز از چالش‌های اصلی ماکرون به شمار می‌رود که البته وی همبستگی خود با آلمان و اتحادیه اروپا و پیروزی از سیاست‌های اتحادیه اروپا را در این زمینه مورد تأکید قرار داده است اما در بعد امنیتی نیز بزرگ‌ترین چالش فرانسه، ادامه تهدیدات تروریستی است که باعث شده مبارزه با تروریسم به یکی از اولویت‌های نخست دولت جدید فرانسه به ریاست ماکرون تبدیل شود.

برنامه‌های منظر ماکرون در این زمینه بیشتر در ابعاد ساختاری است. این برنامه‌ها شامل تقویت نیروهای امنیتی به ویژه پلیس و تشکیل واحدی زیرنظر قزب ریاست‌جمهوری برای هماهنگ‌سازی نیروهای اطلاعاتی و امنیتی در مبارزه با تروریسم است. در عین حال ماکرون بر خلاف مارین لوپن که تأکید شدیدی بر صیانت و نظارت بر مرزها داشته، معتقد به لزوم حفظ پیمان شکنی و ادامه سیاست مرزهای باز است.

■ **اقدامات پس از پیروزی**

در روز پس از پیروزی ماکرون، وی از ریاست حزب خود یعنی حزب «به پیش» استعفا کرد. به گفته ریششار فران دبیرکل این حزب، این اقدام، بخشی از تلاش برای گسترش جایگاه حزب «به پیش» است. قران اعلام کرد نام این حزب به «جمهوری به پیش» تغییر خواهد یافت. به نظر می‌رسد اقدام ماکرون برای کنارگیری از ریاست حزب «به پیش» در راستای چند هدف صورت گرفته است.

نخست تلاش این حزب برای حضور مؤثر و پررنگ در انتخابات پارلمانی آتی است که قرار است در ۱۱ و ۱۸ ژوئن ۲۰۱۷ در سراسر فرانسه برگزار شود.

حزب «به پیش» اکنون هیچ کرسی‌ای در پارلمان فرانسه در اختیار ندارد و طبیعتاً ماکرون به عنوان رئیس‌جمهور جدید فرانسه که به هیچ یک از احزاب اصلی فرانسه وابسته نیست، نیازمند در اختیار داشتن شمار زیادی از کرسی‌های پارلمانی و نمایندگان پارلمان است که حامی وی برای تصویب طرح‌ها و لوایح مدنظرش به ویژه برای ساماندهی اقتصاد فرانسه و اقدامات و تدابیر جدید به منظور حل و فصل معضلات اجتماعی و امنیتی این کشور باشند.

در این راستا مقامات ارشد حزب «به پیش» در نظر دارند نامزدهایی را برای انتخابات پارلمانی معرفی کنند که دارای وجهه اجتماعی باشند. به گفته فران، ۵۰ درصد از نامزدهایی که برای انتخابات پارلمانی آتی سوی این حزب معرفی خواهند شد از چهره‌های مدنی خواهند بود که هیچ بست سیاسی نداشته‌اند، تا تمامی مردم فرانسه بتوانند نماینده‌ای واقعی در پارلمان داشته باشند.

در عین حال هدف ماکرون از این اقدام، ورود نخبگان جدید به داخل سیستم سیاسی فرانسه است. گما اینکه نیمی دیگر از نامزدهایی که برای انتخابات پارلمانی از سوی حزب «به پیش» معرفی خواهند شد، از اعضای دیگر احزاب به ویژه حزب میانه و اروپاگرایی جنبش دموکراتیک (مودم) به ریاست «فرانسوا بایرو» خواهند بود. بایرو از متحدان اصلی ماکرون است که در جریان مبارزات انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه، حمایت کامل خود از وی را اعلام کرده و از هواداران خود خواسته بود تا به ماکرون آرای دهند. البته اعضا و مقامات سایر احزابی که در لیست حزب «به پیش» قرار خواهند گرفت، مجبور به ترک وابستگی حزبی خود نخواهند بود، اما باید تحت‌الوای این حزب رقابت کنند. در عین حال شواهد حاکی از آن است که حزب ماکرون در انتخابات پارلمانی ژوئن ۲۰۱۷ نیز توفیق چشمگیری به دست خواهد آورد.

هر چند با توجه به پیچیدگی سیستم انتخابات پارلمانی فرانسه، پیش‌بینی نتایج آن دشوار است، اما نظرسنجی‌هایی که به فاصله کوتاهی بعد از پیروزی ماکرون منتشر شد، نشان می‌دهد که وی و متحدانش در حزب «مودم» با ۲۴ تا ۲۶ درصد آرا در دور اول انتخابات ۱۱ ژوئن صدرنشین خواهند شد.

حزب راست میانه جمهوریخواهان و حزب راستگرای افراطی جبهه ملی هم حدود ۲۲ درصد آرا کسب خواهند کرد. ۱۳ تا ۱۵ درصد آرا نیز طبق نظرسنجی‌ها به حزب «فرانسه سربلند» خواهد رسید و حزب سوسیالیست هم که گرفتار عدم محبوبیت فرانسوا اولاند رئیس‌جمهوری سوسیالیست فرانسه است، ۹ درصد آرا به دست خواهد آورد. در این شرایط ماکرون ممکن است ناچار شود برای یافتن متحدانی که حاضر به پذیرش دستور کار وی باشند، به معامله سیاسی با دیگر احزاب بپردازد.